

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

فایل نوشتاری دوره آموزش عمومی امر به معروف و نهی از منکر

”انسان مصلح“ استاد علی تقوی

جلسه هشتم: شیوه ها (بخش دوم)

در ادامه ی روش های امر به معروف و نهی از منکر

۹. روش غیری یا واسطه ای رو خدمت شما عرض میکنیم:

امام راحل عظیم الشان در کتاب شریف تحریر الوسیله یک بخشی می فرمایند که:

اگر دیدید **تذکر شما کافی نبود** (حالا قریب به مضمون عرض می کنم)

اما حس می کنی که **اگر شخص دیگری یا اشخاص دیگری هم بیان تذکر بدن،**

این به حد کفایت نزدیک میشه و تأثیر افزایش پیدا میکنه،

امام می فرمایند که **باید برید از اون شخص یا اشخاص خاص بخواید، امر کنید که**

اون ها هم بیان تذکر بدن، حتی فکر میکنم که وجوب برای این آوردند امام.

که در واقع تذکر گیری یا واسطه ای، مثل اینکه شما مثلاً تذکر دادید به یه کسی،

دیدید نه، خیلی اهمیت نداد، خیلی گوش نکرد،

*برید از مافوقش بخواید او هم تذکر بده،

*فامیلتونه، از رفیقشم بخواید،

*از خالشم بخواید،

*این پسر داییشم بهش تذکر بده (پسر داییش که با پسر ما رفیقه با هم میرن باشگاه)

*اصلاً مربی مدرسه اش یا اون معلم فیزیکش که خیلی این علاقه بهش داره،

اونم بگیریم یه جور تذکر بده.

البته عزیزان ظرافت‌هایی داره باز این روش هم که همش رو نمیرسیم اینجا بگیریم،

یکی دو تا شو خدمتون عرض می کنم :

مواظب باشید وقتی میخواید از شخص دیگری کمک بگیرید برای اینکه او هم بیاد تذکر بده،

تا می شه آبروی شخص گناه کار رو حفظ کنیم،

لازم نیست شما همه چیزو برید کف دست طرف بذارید،

او هم بیاد مثلاً به این بگه یا نامناسب بگه، روش درست تذکر نده،

شما اون جمله ای که میخوای، اون مطلبی که مد نظرته،

یعنی کمترین میزان غیبتی که دیگه اینجا لازم هست انجام بشه، انجام بشه، بین ناچاری،

لازم نیست حالا ده تا عیب دیگه هم که طرف داره تو بری به او بگی، سفره دلتو باز کنی. نه!

در واقع این حرمت بین دو تا مومن شکسته نشه.

یه ظرافت دیگه هم که هست:

**واقعاً از کسانی استفاده کنیم در تذکر با واسطه، در تذکر غیره،
که اونها نزد شخص گناهکار یه اندک آبرو و محبوبیتی داشته باشن.**

نرید به دشمن خونیش بگید بیاد...

یعنی واقعا بعضیا این وسط پیدا میشن سوء استفاده میکنن

و برای آبرو ریزی او، برای تهدید کردن او و ...

بعضیا هم پیدا میشن که اصلاً تذکر اون ها روی این بابا تأثیر برعکس داره!

یعنی اگر شما شخص رو درست انتخاب نکنید،

مثلا بفرض میگم معلم فیزیکشو دوست داره،

فلان رفیقش الان باهاش خصومت پیدا کرده، او بیاد تذکر بده بدتره!

خب نباید از اون استفاده کنیم و کمک بخوایم!

حواسمون باشه در تذکر غیره، خیلی خیلی با هنر و با لطافت می تونیم کمک بخوایم از افراد

ظرافت سومشم بگم، از این روش خارج بشیم:

عزیزان در تذکر گیری از همه ی افراد نخواهیم با یه روش بیان تذکر بدن!

* آقای معلم فیزیک شما بیا این جمله رو به پسر ما بگو،

* خاله شما این جمله رو (همون جمله هه رو) اینو شما بهش بگو،

* مربی شما اینو بگو،

* همکارش اینو بگو،

همش همونو بیان...

خب طرف بلاخره دوهزاریش میفته، متوجه میشه!

البته به هر حال متوجه میشن،

ولی اینکه تنوع در گفتار و تنوع در شیوه ها باشه خیلی کمک میکنه به اثر گذاری.

****در واقع روش گیری، یعنی ایجاد همون روش بمباران کردن که خیلی میتونه کمک کنه****

روش دیگر:

۱۰. روش شخصیت دهی هست یا هویت دهی به گناهکار

گاهی وقتا هست ما با امر به معروف و نهی از منکر نامناسبمون،

شخصیت گناهکارو خورد می کنیم، نابودش میکنیم، مأیوشی میکنیم.

گاهی وقتا هست، نه، می تونیم بهش هویت بدیم و به او بفهمانیم که آقا این کار در شأن شما نیست!

دانشمند برجسته، عالم بزرگوار، حضرت حجت الاسلام و المسلمین حاج آقای قرائتی،

یه مثال قشنگی می زدند می فرمودند:

آقا اگر شما یه لباس سفید تمیز زیبای اُتو شده تَنِت کنی،

(اینو برای الصلاة تنهی عن الفحشاء و المنکرايشون می فرمودند)

شما که اهل نماز بشی دیگه خودتو به خیلی از گناهان آلوده نمی کنی،

شما که یه لباس و جامه ی زیبا، رَدای تمیز به تن کنی دیگه نمیری رو زمینی که

خاک و کثیفی و گل و لای و این ها باشه اونجا بنشیننی و بخوای این لباسو کثیف کنی.

کسی که در خودش احساس بزرگی و عزت نفس کنه،

احساس شخصیت کنه، احساس کنه که آدم مهم و موثریه،

این دیگه طبعاً به خیلی از گناهان تن نخواهد داد.

لذا تا می تونیم عزیزان هویت بدیم به اون شخص:

*بگیم آقا این کار در شان شما نیست

*شما که اینقدر جایگاه خوبی داری

*شما که عزیز ما هستید

*شما که دوست خوب و بزرگوار ما هستی

*شما که عزیزم از خانواده ی محترمی هستید

*شما که بین رُفقات یه سر و گردن تو اخلاق، تو ادب، از بقیه بالاتری

***** حالا گاهی وقتاً به مقدار کمی هم مبالغه می‌کنیم*****

اما شخصیت بهش بدیم، هویت بهش بدیم تا اون خود به خود دست از گناه برداره.

*** شما با به همچین ویژگی هایی، صحیح نیست عزیزم، این کار از شما شایسته نیست!**

*** از شما انتظار نمیره**

روش دیگری که باز در امر به معروف می‌تونیم در واقع اتخاذ کنیم:

۱۱. روش پلکانی هست

بنده اسمش رو میذارم روش تدریجی، کم کم، قدم قدم به راه آوردن

ما انتظار نداشته باشیم با به دونه، دو تا، پنج تا تذکر، دیگه گناهکار درست بشه، نه!

***** یه ذره یه ذره!*****

همونطور که این آدم خیلی اولش مقید به نماز بوده شاید،

خیلی مقید به حجاب بوده،

مقید به بعضی از مسائل بوده،

تدریجاً خلاصه دچار سهل انگاری و گناه شده،

همونطور که تخم مرغ دزد تدریجاً شتر دزد میشه،

ما می‌تونیم به عکسش رو هم به تدریج و پلکانی و قدم قدم اصلاحش کنیم

و در واقع او رو به سمت خدا نزدیکترش کنیم.

روش پلکانی، به مثال قشنگی من تو ذهنم دارم، حالا اینجا هم عرض کنم مختصر:

میگفت به بنده خدایی رفته بود وضو بگیره، در به مسجدی، لب حوضی، حالا حیاط مسجدی،

یک کسی دید که این جوان داره وضو می گیره،

جوانی که خیلی ظاهر شاید مناسب و پسندیده ای هم نداشته

حالا بالاخره از لحاظ مو و تیپ و فلان،

به شخصی دید این جوان که داره وضو میگیره از روی کفشش، از روی کتونیش مسح پا رو میکشه،

تعجب کرد! گفت جوان چکار میکنی؟

مسح پا رو از روی کفشت میکشی؟ مثلاً از روی جورابت میکشی؟

چه وضعیه، این وضو قبول نیست

گفت برو بابا حاج آقا بذار بریم زود به نماز مون برسیم

(البته این مثال که میخوام بگم سوء استفاده از نشه ها، مطلبو بگیرید، مناقشه در مثال نیست)

این حاج آقا تعجب کرد،

این پیرمرده که بود، گفت این پسر جوان از روی کتونی مسح پاشو کشید، آخه این چه وضعه!

پسر این چه کاریه؟

پسره گفت حالا بیا بریم نماز اول وقت رو برسیم به فیض جماعت، من بعداً برای شما توضیح میدم!

رفتن نماز رو خوندن و دوباره این پیرمرد به اون پسر گفت: پسر چیه قضیه؟ تو چرا...،

گفت آقا من یه عالمی، یه حاج آقایی هست، او به من اجازه داده

گفته که تو عیب نداره، مسحتو از روی کتونیت بکش!

(حالا از فردا باب نشه ها! دارم مثال رو میگم 😊)

گفت کی اجازه داده بهت؟ گفت مثلاً فلان عالم، گفت بیا بریم پیشش بینم

سلام علیکم، حاج آقا فلانی شما به ایشون اجازه دادید مسحتش رو از روی کتونیش بکشه؟

آقا مگه قبوله؟

گفتش که آقا جون این جوون، یه جوون بی قید و بند بد رفتار بد اخلاق بی نمازه،

خلاصه به خیلی چیزا پایبند نیست و نبود،

من فلانی تونستم تا اینجا برسونمش که لااقل از روی کفشتش یا از روی جورابش مسح پاشو بکشه،

شما اگه خیلی راست میگی بزرگووار، خیلی هنر داری، جورابشو برایش دربیار....

یه مرحله هم با شما!

(از فردا نیان جوونا بگن آقا می خوایم مسحمونو از روی کفشمون بکشیم،

نمیدونم تقوی گفته فلان، نه! داریم میگیم یعنی به تدریج!)

اون خانم بزرگواری که میاد مسجد نمازشو می خونه،

حالا یه مقدار هم ظاهر زننده ای شاید داشته باشه...

این بیان مقام معظم رهبريست، می فرماید:

شاید ظاهر زنده ای داشته باشه،

میاد به مساجد، میاد به کانون های فرهنگی مساجد، به بسیج، کجا...،

عیب نداره، ظاهر زنده ای داشته باشه، جذبش کنید، بیاد به مسجد، بیاد به نماز،

تدریجاً او رو میارید توی حلقه ی صالحین، میارید توی جلسه ی قرآن، فلان

و پله پله در واقع تا ملاقات خدا

***** روش تدریجی معجزه می کنه، دست کم نگیرید*****

روش دیگری که در امر به معروف می تونیم استفاده کنیم

۱۲. روش جمعیت غالب هست

این هم جزو تذکر صامته

گاهی وقتا حضور یک عده مومن در یک فضای خاص، می تونه فضا رو دگرگون کنه

محیط رو برای گناه نا امن کنه!

تعداد زیادی علما یا فرض بفرمایید تعداد زیادی مومنین،

خانم های محجبه، آقایون با ظاهر موجه و مذهبی،

در یک پارکی، در یک فضای کوهستانی، تفرجگاهی حضور پیدا میکنن،

میرن برای تفریح، با خانواده برن، با دیگران برن...

فضای غالب رو به دست می گیرند

جمعیت غالب می تونه فضا رو تغییر بده

خود به خود اون گناهکار نور فضا رو احساس میکنه

سنگینی و وقار فضا رو احساس میکنه

و یه مقدار خودشو جمع و جور میکنه!

این همون قانونِ جاء الحق و زهق الباطل هست

چرا؟

چون «إن الباطل كان زهوقا»

باطل رفتنیست عزیزان

اگر شما با ظاهر مومن و مومنه ی خودتون، با خانوادتون، با دوستان و بستگانتون،

در پارک ها، در اماکن عمومی، در سینماها، در تفرجگاه ها حضور پیدا کنید،

***خود به خود گناهکارها اونجا کمتر حضور خواهند داشت،**

***با اون حضورشون رو لااقل با ظاهر گناه آلود کم خواهند کرد.**

این تکنیک صحیحی نیست که بگیم ما بچپیم تو خونه، بشینیم کز کنیم تو خونه،

دیگران بیان برن از اماکن عمومی استفاده کنن!

نخیر!

اتفاقاً شما باید باشید، با ظاهر مومنه ی خودتون باشید،

تا اون ها در واقع گناهشون رو حداقل کمتر کنن، جمعیت غالب!

برای مهمانی ها هم همینطوره

مهمانی هایی که احتمال میدید گناهی بخواد درش شکل بگیره،

جمعیت مومنین اونجا حاضر باشند و در واقع با ظاهر مذهبی خودشون، با ایمان خودشون

هی صحنه رو خالی نکنیم!!!

بگیم آقا نه این مجلس احتمالاً گناه آلوده ما نمیریم، اون یکی هم بگه ما نمیریم...

(البته یکی از روش ها نرفتنه، بجای خودش عرض خواهیم کرد)

ولی خیلی وقتا با بودن جمعیت غالب مومنین، گناه از بین خواهد رفت یا کم خواهد شد.

تو این فامیل، تو این مدعوین این مهمانی یا این جلسه،

بیستا آدم مومن حضور داره، وجود داره، اینا دعوت شدند،

خب هر کدوم از اینا به بهانه ی اینکه احتمال داره اونجا گناه شکل بگیره:

نمیام، نمیام، نمیام، نمیام...

چی شد؟

!!! فضا برای گناه مَهیا شد !!!

ولی اگه هر کدوم اینا احساس وظیفه کنن،

بگن نه بابا نوزده نفر دیگه هم هستن، اونا هم مومنن، اونا هم با ایمانن،

همه ی ما حضور پیدا کنیم احتمالاً به احترام ما، به احترام دین و ایمان ما و جایگاه ما،

این گناه کم بشه یا حذف بشه

حواسمونو جمع کنیم، روش جمعیت غالب!

یکی دیگه از روش ها:

۱۳. روش وعده ای هست

گاهی وقتا ما می تونیم یه قولی به شخص خطاکار بدیم، باهاش قراری بذاریم

و حتماً هم بهش پایبند باشیم

وَعده کنیم باهاش که اگر شما ان شاءالله از این به بعد نمازات اول وقت باشه من ببینم،

فلان هدیه رو برای شما، فلان جایزه رو مثلاً، یا فلان کارو برات انجام خواهم داد

یه ظرافت و نکته ای خدمتون عرض کنم:

نگید که باید بخاطر خدا نماز بخواند!

باید برای قُربه الی الله بخاطر رضایت خدا بیان مسجد!

یعنی چی به بچه ها شوکولات بدیم که بیان مسجد!

آقا تو مگه اولش بخاطر رضای خدا، قُربه الی الله می فهمیدی یعنی چی؟

از بچگی با نمی دونم خالصا لوجه الله مخلصا چی چی کشوندن شما رو مسجد؟

با همین شوکولاته اومدیم، با همون بارک الله اومدیم، با همون...

تشویق وعده ای رو یادمون نره!

آقا درس بخونی، چیکار می کنیم؟ لوح تقدیر بهت میدیم، رتبه یک میشی، جایزه بهت میدیم!

اینا شیوه ی وعده ای!

خدا تو قرآن از وعده و وعیدم البته در کنارش هست، از وعده و وعید بهره ها بُرده

از بهشت و جهنم اسم ها بُرده

و البته همه جا "یا من سبق رحمته غضبه"

همه جا اول در واقع وعده هست به بهشت و به خوبی و به هدیه و به جایزه و امثال این ها

لذا این روش رو ان شاءالله استفاده کنیم.

در همین راستا من سه تا روش هدیه ای دیگه هم عرض کنم:

*پس یکی از روش های هدیه ای ما، تشویقی ما، در واقع ترغیبی ما:

روش وعده ای هست

حتما هم به وعده عمل کنیم، که دفعه ی بعد رو وعده من حساب کنه

روش دیگر:

۱۴. روش تشویقی من اسمش رو گذاشتم

*بارک الله

*آفرین

*احسنت

*خیلی این کار شما قشنگ بود

بال در میاره طرف!

*** مخصوصاً اگه جلوی جمع تشویقش کنید***

عزیزان تشویق رو دست کم نگیرید

در روایات معصومین علیهم السلام می فرمایند:

الانسان عبید الاحسان

انسان بنده ی محبته

انسان بنده ی اینه که یه کسی از کار خوب و درستش تعریف کنه

البته دچار افراط و تفریط نشیم، زیاد از حد هم تعریف نکنیم حالا

یه کار خوب کوچولویی انجام داده، همونقدرم مورد تشویق و تکریم قرارش بدیم

دیگه نه اینکه زیاد از حد که حالا فک کنه...

اون تعریف بالاتر، تشویق بالاتر رو نگه داریم برای کار مهم تر

تشویق و تمجید و باریک الله گفتن،

هدیه دادن بعنوان جایزه دادن،

اینا همه می تونه موثر باشه در ترغیب به تکرار این عمل خوب

داریم می فرماید که:

«من لم یشکر المخلوق لم یشکر الخالق»

یا از اون طرف می فرماید:

«لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ»

این فقط مخصوص خدای عزوجل نیست،

شما از هر کسی به خاطر هر کار خوبی تشکر کنید،

او ترغیب میشه و تهییج میشه که

دوباره اون کار خوب رو، بلکه بارها و بارها اون کار خوب رو انجام بده

*روش تشویق می تونه با یه لفظ آفرین و بارک الله باشه

*می تونه من یادمه اون موقع ها دانش آموز بودیم، کارت صد آفرین، نمی دونم دویت آفرین،

پونصد آفرین، اینا بهمون میدادن، ما هم کلی کیف می کردیم!

*می تونه با یه هدیه ای باشه، هدیه ای همراه باشه

یکی دیگه از روش های امر به معروف و نهی از منکر

۱۵. روش «همراه هدیه» هست عزیزان

یعنی تذکر رو همراه هدیه به یک شخص خطاکاری بدیم

این گاهی وقتا برای کاهش تنش هست، برای القای محبت هست

شما می تونید در واقع اون تذکر شفاهی یا تذکر مکتوبی که میخواین به شخص خطاکار بدید،

یه هدیه ضمیمش کنید

یه شاخه گلی باشه، یه کتابی باشه، یه نمی دونم محصول فرهنگی مناسبی باشه

مثلاً، یا یه هدیه ای باشه که متناسب با اون گناه اون شخص هست که گناهشو بتونه ترک کنه،

مثلاً برای شخصی که، دختر خانومی که فرض بفرمایید مُکَلَّف شده،

اما خیلی هنوز نسبت به حجاب تَقَيَّد نداره!

یا مثلاً کسی که نسبت به نماز خیلی تَقَيَّد نداره، شما یه سجاده کادو بخرید

برای اون دختر خانم یه چادر نمازی، یه مقنعه ای، روسری ای، چیزی، مثلاً کادو بخرید

همزمان که تذکر رو بهش میدید، هدیه تون رو هم بهش بدید

این روش رو بهش میگن روش همراه هدیه

تذکر همراه هدیه!

از دیگر روش ها که نزدیک به این روشی هست که عرض کردیم، اما تفاوت هایی با او داره:

۱۶. روش بهای به عامل هست

بها دادن به عامل انجام معروف

*اون شخصی که عمل میکنه به نمازش، عمل میکنه به روزش، به او بها بدیم

*به اون خانمی که عمل میکنه به حجابش به او بها بدیم

گاهی وقتا دیدم در مناسبت های خاص در روز عفاف و حجاب، در روز زن و امثالهم،

کسانی خودجوش از بین مردم یا بعضی نهادهای مسئول حتی، میان شروع میکنن در سطح شهر،

به خانم های مُحَجَّبه، که این ها بها باید بهشون داده بشه چون عامل به معروف هستند،

شروع میکنن مثلاً به این ها شاخه های گل تقدیم کردن

یا به هدایای فرهنگی مختصری تقدیم کردن

این خیلی روش قشنگیست!

در واقع تکریم و بها دادن و ارزش قائل شدن برای اون کسی هست که

*داره اون کار خوب رو انجام می ده

*یا مثلاً اون گناه بد حجابی رو انجام نمی ده

حالا بگیم تارک منکر یا عامل به معروف

خیلی کار قشنگ و دُرستیس

دیگه اینجا شما لزومی ندارد حتما یه تذکر هم کنارش باشه یا شفاهی تذکر ...

چه تذکری؟

اون داره کار درستش رو انجام می ده دیگه

البته می تونه تشکر جایگزینش بشه

***از شما به خاطر رعایت این حجابتون**

***از شما به خاطر اینکه این کار قشنگ و درست رو دارید انجام می دید**

***به خاطر اینکه نمازتونو اول وقت می خونین مثلاً**

تقدیر می کنیم، تشکر می کنیم.

این شاخه گل، اینم یه کاغذ ضمیمه اش مثلاً یا تشکر لفظی ضمیمه اش.

ممکنه یک نکته ی غلطی، یک اشتباهی سهواً در این بین پیش بیاد،

خوب دقت کنید عزیزان

این اشتباه رو خیلی جاها دیدم انجام میدن

خیلی از نهادها، خیلی از فعالان خودجوش مردمی

ما دو تا شیوه ی آخر و گفتیم:

*یکی تذکر با همراهی هدیه هست،

*یکی هدیه دادن برای تشکر از عامل هست، عامل به معروف، کار درست

بعضیا میان از هر کدام اینا به تیکشو بر میدارن با هم قاطی می کنن اشتباه میشه، چیکار میکنن؟

میان هدیه میدن به گناهکار!

همین جوری، بدون تذکر!

هدیه ی بدون تذکر به گناهکار!

*بفرمایید خانم بدحجاب این گل برای شما! بارک الله که بد حجابین مثلاً! ☺

*مثل اینه که تو مدارس بیان به بچه هایی که درس نمیخونن مثلاً جایزه بدن! کارت امتیاز بدن!

بعد میگیریم این چه استدلالی پشتش هست؟

میگن که خب این امر به معروفه!

میگیریم این چه امر به معروفیه؟ این نهی از کدوم منکره؟ امر به کدوم معروفه؟

اگر میخواید هدیه بدید به خطاکار باید ضمیمه اش تذکر باشه! (یا شفاهی یا کتبی)

اگر میخواید هدیه بدین به درستکار عیب نداره اونجا دیگه تذکر لازم نیست،

بلکه تشکر هم روش اضافه کنید.

پس دیگه انشاءالله شما بزرگواران انجام ندید خدایی نکرده از این کار! و اگه دیدید تذکر بدید

که برن گل بدن به خانمهای بد حجاب مثلاً! (بدون تذکر) نه! این روش غلطی هست!

و فقط فایده اش اینه که مثلاً شاید بگیم که حالا دل های اونها نرم میشه، یه محبتی القاء میشه!

این صحیح نیست!

شما باید نیکوکار رو تحسین کنید

طبق روایت امیرالمومنین:

نیکوکار رو تحسین کنید تا خطا کار هم خودش رو به جایگاه اون نیکوکار نزدیک کنه.

«خدا انشاءالله همه ی ما رو موفق به امر به معروف و نهی از منکر بدارد،

با انجام این واجب دل امام زمانمون رو شاد کنیم

ان شاءالله به برکت صلوات بر محمد و آل محمد.»

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

فایل نوشتاری دوره آموزش عمومی امر به معروف و نهی از منکر

«انسان مصلح» استاد علی تقوی

ادامه جلسه هشتم: شیوه ها (بخش سوم)

رسول خدا فرمودند:

کسی که امر به معروف و نهی از منکر می کند،

باید این کار خودش رو با شیوه ی معروف و درستی انجام دهد.

در ادامه ی جلسات شیوه های امر به معروف و نهی از منکر هستیم

یکی دیگه از شیوه هایی که خیلی کاربرد داره در نهی از منکر یا در امر به معروف حتی:

۱۷. روش تهدید هست

البته تهدید با وعید رابطه ی نزدیکی داره

اما تهدید به این شکل هست که شما او رو آگاه می کنید، شرط برایش میذارید که:

اگر فلان منکر رو آزش دست برداری یا اگر فلان معروف رو انجام ندی،

مثلاً در رابطه ی دوستی ما به خدشه ای وارد خواهد شد.

مثلاً:

"دیگه بین فلانی کلامون میره تو هَما، هر دفعه ما داریم میریم نماز جماعت شما نمیای.

هی تو میری فوتبال خب بیا نماز رو یک دقیقه بخونیم بعد میریم به بازی هم میرسیم"

یا تهدیدهای یه مقدار جدی تر از این

*یک رئیس میتونه مَرئوس خودش رو تهدید کنه به کسر حقوق، تهدید کنه به اخراج.

*تهدید های عاطفی خوب جواب میده.

*تهدید های اداری، نظامی و امثال اون هم خب به هر حال جایگاه خودش رو داره.

*تهدید به کاهش رابطه:

"بین اگه مراسمتون اینطور باشه ما شرمنده، ما شاید نتونیم خدمتون برسیم،

دیگه این خلاف حرف خداست، البته خیلی دلمون میخواد بیایم،

جشن شما رو، مراسم شما رو شرکت کنیم، انشاءالله که مبارک باشه

ولی اگر اینطور باشه ما بعید بتونیم خدمت برسیم."

این البته حالا ظرافتش رو بگم تو پراتنز، یادمون باشه گفتیم:

یه جاهایی رفتن ما در مهمانی امر به معروفه، یه جاهایی رفتن ما.

همه جا رو به یک چوب نزنیم و به یک چشم نبینیم.

*** یا تهدیدهایی که در رابطه با گزارش دهی به مسئولین هست:**

" آقا اگر جمع نکنی بساطت رو...،

این وضعیتِ آسناک، زشته این کار تو خیابون، جلوی مغازه، اینجا محل عبور زن و بچه مردمه.

اگه جمع کردی که کردی، ده دقیقه دیگه من میام، جمع نکرده باشی زنگ میزنم به پلیس "

ببینید انواع و اقسام تهدیدهایی که در واقع جواز شرعی هم داده شده

و امام راحل هم در تحریرالوسیله اشاره ای به بحث تهدید داشتن.

از دیگر شیوه های امر به معروف و نهی از منکر، عزیزان:

۱۸. روش ادبی هست، ادبیاتی

ما گاهی وقتا می تونیم با یه ضرب المثل، با یه داستان کوتاه، با یک شعر، حکایت، لطیفه یا پند،

در واقع شخص مقابل را امر به معروف و نهی از منکر کنیم.

مثالای ساده اش که حالا تو ذهن هممون هست تا مثال های پیچیده تر

مثلاً برای کسی که شاید از نزدیکان شما هست، حجاب مناسبی نداره،

***نوشتن این شعر زیبا روی یک مثلا لوح و هدیه دادن به او:**

" ای زن به تو از فاطمه اینگونه خطاب است / ارزنده ترین زینت زن حفظ حجاب است "

البته سعی کنیم خیلی سراغ مصادیق کلیشه ای تکراری شده ی این تیپی نریم بهتر هست.

هرچقدر قالب نو تر و بهتر باشه، پذیرشش هم بیشتره.

*** یا مثلاً فرض کنید با یه داستان، روش ادبیاتی:**

داستان چوپان دروغگو رو حتما همه ی شما در ذهن دارید، من که هنوز یادم نرفته

خب یه کسی که دروغ میگه، یه کسی که خیلی حرف ناصحیح میزنه

و در واقع شاید کذاب هست خدایی نکرده

شما می تونید چند دقیقه بشینید باهاش صحبت کنید بگید آقا این داستان چوپان دروغگو یادته؟

این یه جور عبرت ها! بین یه دفعه هم که خدایی نکرده به مشکلی دچار بشی

و حرف جدی و راست بزنی، کمک بخوای، دیگران روی حرفت حساب نمیکنن.

ببینید همین دروغ رو با ده تا شیوه ی دیگه هم میشه نهی کردها.

میشه روایتشو گفت، حدیثشو گفت، برایش آیه بگیم، برایش فتوا بگیم، برایش جملات بزرگان ...

اینا هست؛ اما این روش داستانی که جزو شیوه ی ادبی هست خیلی خوب جواب میده.

*** یا مثلاً با ضرب المثل:**

فرض بفرمایید هستند شاید کسانی که به خاطر نگرانی از معیشت و امرار معاشون،

از دواج نمیکنن یا مثلاً تن به فرزندآوری نمی دن.

خب مثلاً گاهی وقتها شما میتونید با اینا ضمن صحبتتون یه ضرب المثل ساده استفاده کنید.

مثلا بگید آقا "هر آنکسی که دندان دهد نان دهد".

شما از دواج کنید، شما بچه دار بشید، انشالله خدا هم کمک میکنه.

میشه گاهی با ضرب المثل، داستان، حکایت و شعر و امثال اینها امر به معروف های اثرگذار دلی

و با پذیرش قلبی بالا انجام داد.

از دیگر روشهای امر به معروف در واقع:

۱۹. روش غیرتی هست.

ما در روایاتمون توصیه شدیم به اینکه آنچه بر خود می پسندی بر دیگران هم پسند.

عزیزان گاهی وقتا میتونیم از غیرت شخص مقابلمون استفاده کنیم:

" پسر خوب، شما غیرت اجازه میده، قبول میکنی، دلت راضی میشه،

که کسی به خواهر خودت چپ نگاه کنه؟

آخه پسر خوب زشته، این کار در شأن شما نیست "

گاهی وقتا تلفیق چند شیوه، عزیزان ببینید:

دارم میگم در شأن شما نیست.

روش غیرتی رو گفتیم در خِلالش داریم میگیم "این کار در شأن شما نیست"

* آخه جلوی هیئت و ایسادی برادر من، اینجا هیئت امام حسین (ع) هست،

مردم شما را منتسب به اینجا می پندارند.

چند تا شیوه رو با هم تلفیق کنیم و در واقع امر به معروف انجام بدیم خیلی

میتونه موثر باشه.

پس این شد روش غیرتی که:

* عزیزم برای خودت می پسندی؟

* آخه این کار غیرت تو اجازه میده یکی همین حرفو به خودت بزنه؟

* این حرفی که به بزرگتر خودت زدی، یکی به پدر شما بزنه ناراحت نمیشی؟

* این چه حرفی بود به این حاج آقا زدی؟

روش غیرتی خیلی میتونه موثر باشه.

روش دیگر:

۲۰. روش امید دادن هست.

من خیلی روی این تأکید دارم، امیدوار کردن شخص به اینکه:

"خدا این گناه تو رو هم میبخشه.

شما ان شاءالله توبه کن، عیب نداره دیر نشده، شما توبه کن،

تصمیم بگیر واقعاً که جبران کنی و دیگه تکرار نکنی،

خدا هدایت میکنه، خدا کمک می‌کند، خدا در توبه رو باز کرده،

صد بار اگر توبه شکستی باز آ"

باز شد تلفیق شیوه ی امید دادن با مثلاً شیوه ی شعر و ضرب المثل.

امید دادن خیلی میتونه موثر باشه

که میدونید ما باز موكداً امر شدیم به این که از رحمت خدا ناامید نشیم

روش دیگه برای امر به معروف و نهی از منکر:

۲۱. روش حذف تنهایی هست

حذف فرصت هست.

شما میدونی این کارمند احتمال داره چون گزارش هایی رسیده اگر این در اداره بمونه، در بایگانی بمونه، این خدای نکرده ممکنه پرونده ها رو به جا به جایی ای انجام بده یا مثلاً حالا این پول ها یا این اموالی که دست او هست، در اختیار او هست، یا حالا مسائل دیگر.

گاهی وقتها تنهایی ها رو حذف کنیم، فرصت های گناه رو حذف کنیم.

که اصلاً زمینه ی و بستر ایجاد گناه از بین بره.

که در واقع یک جور پیشگیری از منکر هست.

روش دیگر:

۲۲. روش سکوت هست

یک وقت هست شما دارید صحبت می کنید، وسط کلام شما،

(مثلاً معلم ها و اساتید در دانشگاه و مدارس خیلی استفاده می کنن از این شیوه ، البته آنها گاهی وقتا تذکرات تند هم پشت سرش میدن)

ولی گاهی وقتا یکدفعه شما کلام را قطع کنید،

مخاطب حواسش میاد به شما، جمع حواسش میاد به شما،

حالا شما سخنران جلسه هستید یا نه مهمانی ای هست، شما مشغول صحبت هستید.

فرقی نمیکنه، یک دفعه ساکت میشید و او متوجه میشه که داشته صحبت میکرده وسط صحبت شما.

موقع تلاوت قرآن هست، اساتید قرآن گاهی این کارو می کنن

وسط تلاوت قرآن می بینی دو، سه نفر اونجا هی دارن پچ پچ می کنن،

در واقع این خلاف آیه ی صریح قرآن هست که:

وَإِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَأَنْصِتُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ

یک دفعه شما سکوت می کنید، تلاوتتون رو سر آیه که رسیدید قطع میکنید،

مخاطب حواسش جمع میشه که چی شده؟

علت این سکوت یک دفعه ای و ناگهانی چه بوده؟

یکی دیگه از شیوه هایی که باز خیلی میتونه مناسب باشه برای امر به معروف:

۲۳. روش برخورد متقابل هست.

عزیزان ما نباید جواب بدی را با بدی بدهیم، قبول، این یه گزاره ی درسته، اما:

التَّكْبَرُ مَعَ الْمُتَكَبِّرِ عِبَادَهُ

گاهی وقتها چشاندن مزه ی اون اشتباه به شخصی که داره اشتباه میکنه،

البته با کمترین ناراحتی، کمترین اذیت و دلخوری، لازم هست.

" آقا این همسایه ی ما هیچ وقت مراعات فلان مسئله رو نمیکنه، فرهنگ آپارتمان نشینی نداره،

همیشه این لوازمشو میریزه جلو در ما، جلو راهرو، مثلاً مسیر رفت و آمد همسایه ها رو سد میکنه،

حالا ما با شیوه های مختلف تذکر دادیم افاقه نکرد،

بذار یه بارم ما اینطوری اینوری بزاریم جاکفشی مون رو مثلاً نمی دونم

وسایلمون رو اینطوری بذاریم، سد معبر ببینه خوبه؟

"به انصاف میاره اشخاص رو"

انصاف یعنی همون که آنچه بر خود نمی پسندی بر دیگران نپسند.
گاهی وقتا یه ذره، اونقدی که اذیت و ناراحتی خیلی ایجاد نشه،
یه ذره بر خورد متقابل با اون شخصی که کار خطا رو انجام میده،
در واقع میتونه مزه ی اون تلخی رو بهش بچشونه
و متوجه بشه دست از کار ناصحیح خودش برداره.

موفق و موید باشید ان شاء الله

خدا همه ی ما رو آمر به معروف و ناهی از منکر قرار بده به برکت صلوات بر محمد و آل محمد.

برگرفته از بیانات استاد علی تقوی (مدرس برجسته حوزه و دانشگاه)
کاری از مرکز تخصصی آموزش و احیای واجب فراموش شده

سایت آمرین: www.Aamerin.ir

آدرس کانال در پیام رسانهای داخلی: @aamerin_ir

صفحه اینستاگرام: aamerin_ir

کانال آپارات: aamerin